

اسلام و مسیحیت؛ پیشینه و افق آینده

محسن الوری

استادیار دانشگاه امام صادق (ع)

چکیده

به استناد آیات قرآن و سنت نبوی، مسلمانان همواره موضعی همدلانه نسبت به مسیحیت داشته‌اند ولی مواجهه مسیحیان اروپا با اسلام و مسلمانان اندلس از موضعی سخت ناهمدلانه آغاز شد ولی بتدریج به همدلی گرایید. ناسازگاری کلیسای کاتولیک با مسلمانان اندلس و سپس اقدام به جنگ‌های صلیبی نخستین مرحله این مواجهه است. ارباب کلیسای کاتولیک اروپا پس از ناکامی در جنگ‌های صلیبی به فعالیت فرهنگی و علمی علیه مسلمانان پرداختند و در بستر این فعالیت‌های بیشتری با آموزه‌های اسلامی و فرهنگ مسلمانان یافتند. پس از رنسانس و آغاز فعالیت‌های علمی غیرکلیسایی نگاهی واقع‌بینانه به اسلام شکل گرفت که در پرتو تحولات عصر روشنگری موجب پدید آمدن جو منصفانه‌ای درباره اسلام شد و کلیسا نیز خواسته یا ناخواسته از این جو تأثیر پذیرفت و تنی چند از کشیشان در پدید آوردن این آثار سهیم شدند. پس از جنگ جهانی دوم و در پی تحولاتی که در روابط شرق و غرب به وقوع پیوست کلیسا، ضمن اعتراف به اشتباهات گذشته و توصیه به تفاهم، همزیستی مسالمت‌آمیز با مسلمانان را آغاز کرد و این تغییر رویکرد مهم را به صراحت در بیانیه شورای واتیکانی دوم در سال ۱۹۶۵م. گنجانید. تحلیل روند گذشته، امیدبخش آینده‌ای است که در آن مسیحیان در کنار مسلمانان و در پیوندی استوار و دین‌محور برای تحقق جهانی آکنده از ارزش‌های الهی خواهند کوشید. این امید با بهره‌ای آموزه‌های اسلامی از جمله اعتقاد به ظهور دوباره مسیح علی نبینا و علیه الصلاة والسلام و پیوستن او به مهدی مه عود عجل الله تعالی فرجه بارورتر می‌شود.

واژه‌های کلیدی: گفتگوی ادیان، اسلام، مسیحیت، کلیسای کاتولیک، شورای واتیکانی

مقدمه

اگر بخواهیم روابط اسلام و مسیحیت را از نخستین رویاروییها مورد بررسی قرار دهیم، مناسب است مقداری به عقب برگردیم و نگاهی اجمالی به جایگاه مسیحیت در عستان در آستانه بعث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم داشته باشیم. اصولاً ذهنیت مردم حجاز پیش از گرویدن به اسلام، پس از بت پرستی و گرایش به آیین حنیف ابراهیمی، نسبت به مسیحیت سازگارتر بود تا با پیروان ادیان آسمانی دیگر و تاریخ نام افرادی را که از بت پرستی دست کشیده و مسیحی شده بودند ثبت کرده است که از جمله آنها می توان از ورقه بن نوفل دانی خدیجه همسر پیامبر (ص) نام برد.

آیات قرآن با اعتبار بخشیدن به دین و باورها و رفتارهای دینی به عنوان معیار و محور اتحاد و افتراق ملت ها و انسان ها پیروان ادیان آسمانی را مورد خطاب قرار داد و آمادگی خود را برای تفاهم و دوستی با آنها اعلام داشت. قرآن ضمن محترم و معتبر شمردن ادیان آسمانی پیشین، پیروان آنها را به سوی مشترکات آن ادیان با اسلام فراخواند^(۱) و از مسلمانان خواست بهترین روش را در برخورد با اهل کتاب پیش بگیرند^(۲) و از کتاب های آسمانی دیگر ادیان نیز، در موارد متعدد، به نیکی یاد کرد.^(۳)

از سوی دیگر، رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سیاست کلی آن حضرت نیز - به عنوان رهبر دینی یا زمامدار دولت اسلامی - بویژه نسبت به مسیحیان داخل شبه جزیره عربستان و دولت های مسیحی خارج شبه جزیره در جوی همدلانه تحقق یافته بود. در سال ششم بعثت، پس از افزایش فشار مشرکان قریش بر مسلمانان، گروهی از مسلمانان را به سرزمین حبشه که پادشاهی مسیحی و روابطی خوب با امپراطوری روم داشت، اعزام نمود و رضای خود را از روش ملکداری پادشاه وقت حبشه با این جمله اظهار نمود:

لو خرجتم إلی أرض حبشة فإن لها ملكاً لا يظلم عنده أحد و هي أرض صدق حتى يجعل الله لكم فرجاً مما أنتم فيه^(۴)

نجاشی نیز ضمن سؤال از جعفر بن ابی طالب درباره ویژگی های دین جدید^(۵)، با برخورد واقع بینانه، بی طرفانه و جوانمردانه خویش با مسلمانان پناهجو^(۶) و اسکان آنها در قلمرو حکومت خود خاطره ای خوش در ذهن مسلمانان باقی نهاد و درستی سخنان پیامبر (ص) را تأیید کرد. ظاهراً پیش از هجرت پیامبر (ص) هیأتی یست نفره از حبشه برای

تمقیق پیرامون دین اسلام به مکه آمدند و تحت تأثیر رفتار پیامبر(ص) و آموزه‌های دین مسلمانان قرار گرفتند و ابوجهل از این امر سخت برآشت.^(۷)

پس از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه، نامه دعوت آن حضرت از امپراطور روم برای گرویدن به اسلام^(۸) یک اعلان جنگ نبود، بلکه فراخوان به یک وحدت دینی بود؛ و شاید امپراطور روم نیز به امید دستیابی به وحدتی سیاسی و پرهیز از رویارویی با یک دشمن جدید تمایل داشت این دعوت را بپذیرد.^(۹)

در سال نهم هجری، در ماجرای مباهله، برخورد مناسب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با نصاری نجران که بعضاً مورد توجه و علاقه خاص امپراطوری روم نیز بودند^(۱۰) و مصالحه با ایشان و پرسش‌های عیسویان نجران از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره محتوای دین اسلام^(۱۱)، نمونه‌ای دیگر از برخورد مناسب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با مسیحیان بود. در کنار این رفتارهای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و موضع‌گیری‌های قرآن، برخی برخوردهای ناهمدلانه در همان سال‌ها گزارش شده است.^(۱۲)

نخستین موضع‌گیری‌ها و نوشته‌های مسیحیان پیرامون اسلام، قرآن و پیامبر(ص) هر چه از شرق و مهبط وحی به سمت غرب فاصله می‌گیریم، برخوردهای همدلانه مسیحیان کمتر می‌شود و به ناهمدلی سوق می‌یابد. و حتی مسیحیانی که در قلمرو حکومت اسلامی می‌زیستند در آثار خود این ناهمدلی را نشان دادند. نخستین اثر منسوب به یوحنا دمشقی قدیس^(۱۳) (۶۷۵-۷۴۹م/۱۱۴ق.) است که در قلمرو حکومت امویان می‌زیست.^(۱۴) ارتباط اسلام با بت پرستی و شرک جاهلی، بدعت بودن این دین، نفسانی بودن وحی و افسانه زید و زینب از جمله مواردی بود که یوحنا در موضعی تهاجمی علیه اسلام مطرح ساخت.^(۱۵) پس از او تئودوروس^(۱۶) اهل ادسا (رها) (۷۴۰-۸۲۰م/۱۲۲-۲۰۵ق.) که نزد عرب‌ها به ابوقره شهرت داشت تحت تأثیر یوحنا دمشقی چهره‌ای مخدوش و نادرست از اسلام ترسیم کرد.^(۱۷) نویسندگان مسیحی امپراتوری روم شرقی نیز بر مدار ناهمدلی حرکت کردند.^(۱۸)

وامل مؤثر در این مواجهه را می‌توان این گونه برشمرد:

۱. وقوع غزوات مؤنه و تبوک در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) ^(۱۶) و عدم درک

درست از مفاهیم و آموزه‌های دینی به ویژه جهاد

۲. زیر سؤال بردن بخشی از اعتقادات مسیحیان از سوی قرآن:

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا
إِذْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَفِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا مَخْلُوقًا مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (مائدة/ ۱۷)

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا
عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ (مائدة/ ۷۳)

برخی نویسندگان خاتمیت دین اسلام و اندیشه جهان شمولی آن را نیز در این زمره

نام برده‌اند که به نظر قابل قبول نمی‌رسد. ^(۱۷)

مواجهه مسیحیان اندلس با اسلام؛ آغاز ناهمدلی مسیحیت غرب

با ورود اسلام به اندلس و مواجهه با مسیحیت غربی برگگی تازه در کتاب روابط اسلام و مسیحیت ورق خورد. عبور مسلمانان از دریای مدیترانه، ورود آنها به اندلس، نفوذ آنها تا قلب اروپا و برچیدن حکومت گوت‌ها که به فتوحات شگفت و سریع اعراب مسلمان در ایران و روم مانند بود به آسانی زمینه تشکیل حکومتی مقتدر را فراهم آورد و دوره‌ای را رقم زد که آن را باید دوره شناساندن اسلام به اقوام گوت نامید. مسلمانان که تا کوه‌های پیره و چندی بعد تا پواتیه در جنوب فرانسه را در اختیار داشتند، توانستند در پرتو اقتدار سیاسی جلوه‌هایی از سماحت دینی، توجه به حقوق مادی و معنوی طبقات محروم، اهتمام به دانش و هنر و ادب را به گوت‌های کاتولیک مذهب بنمایانند. اقتدار سیاسی و جلوه‌های چشمگیر فرهنگ و تمدن اسلامی، گروهی قابل توجه از مردم را در زمره گروندگان و معتقدان به این دین قرار داد. ازدواج اعراب مسلمان با زنان و دختران اسپانیایی نیز در گسترش فرهنگ نوین دینی تأثیری بسزا داشت، نو مسلمانان که بیشتر فرزندان این ازدواج‌ها بودند «مولدان» خوانده می‌شدند. ^(۱۸) گروهی دیگر از مردم نیز که بر دین خود (یهودیت و بویژه مسیحیت) باقی ماندند، آن چنان مجذوب فرهنگ اسلامی

شده بودند که شاید جز در دین در تعامی شئون زندگی خود از اعراب مسلمانان تقلید می کردند: در آداب معاشرت، نامگذاری، روش لباس پوشیدن، زبان مکالمه روزمره، استفاده از زبان عربی برای خلق آثار علمی و حتی تبلیغ دین مسیحیت و شرح انجیل به زبان عربی. این گروه را «موزارب» می نامیدند که تلفظ اسپانیایی «مستعرب» است.

مستعرب در اینجا به معنی «عرب گرا» یا «عرب زده» یعنی کسی که روش و منش اعراب را الگوی خود قرار داده است.

ولی با توجه به اصل آزادی دینی، کلیساها و کشیش ها توانستند در چارچوب مقررات اسلامی درباره اهل ذمه، آزادانه به فعالیت های خود ادامه دهند. عامه مردم نیز که وضعیت جدید برای آنها بسیار خوشایند بود برای رهایی از پرداخت جزیه و یا به خاطر علاقه ای که به این دین پیدا کرده بودند مسلمان می شدند. با این وجود، ملایمت نظام سیاسی امویان نسبت به مسیحیان بدان درجه بود که حتی برخی از آبای کلیسا در دربار امویان مسؤولیت های در حلقه وزارت یا سفارت یافتند. ولی به رغم روحیه همزیستی از سوی مسلمانان و حکومت اسلامی، روحیه عناد و لجاج و اسلام ستیزی ارباب کلیسا گاه به صور گوناگون چهره می نمود. شاید نخستین اعتراض ارباب کلیسا به این قالب بود که فریاد برخی از آبای کلیسا بویژه در قرن های نهم و دهم از استعراب (عرب زدگی) جوانان اسپانیایی بلند بود. (۲۲)

یکی از عجیب ترین عکس العمل های کشیشان مسیحی، جنبش به اصطلاح «شهادت طلبی» آنان بود: بر اساس فقه اسلامی مجازات دشنام دادن به پیامبر (ص) خدا صلی الله علیه و آله و سلم قتل است. در سال ۸۵۱ م. عده ای از کشیشان با علم به این حکم اسلامی، در معابر عمومی اقدام به ناسزا گفتن به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نمودند تا پس از دستگیری و اجرای حکم قتل نسبت به آنان، کلیسا بتواند از این به اصطلاح «شهادت» به عنوان حربه ای تبلیغاتی برای تهییج احساسات مستعربان و موکدان بر ضد حکومت اسلامی بهره برداری نماید. قاضی وقت کوردوبا به جای اجرای سریع حکم نخست به حبس و تعریز روی آورد، ولی با توجه به پافشاری آنان بر رویه ناپسند خود ناگزیر از صدور حکم قتل آنها شد.

سومین شکل تجلی این ناهمدلی جنگ‌های شمال نسبت به مسلمانان است که می‌توان آن را نوعی جنگ صلیبی در اسپانیا نامید.

اوج ناهمدلی و مواجهه خصمانه

پس از این مراحل ما شاهد بروز جنگ‌های صلیبی هستیم. در پی تشکیل مجمع کلرمونت^(۲۳) در سال ۱۰۹۵ م. به ریاست پاپ اربانیوس دوم^(۲۴) (۱۰۴۲-۱۰۹۹ م.) و سخنرانی حماسی پطرس ناسک که مدعی بود مسلمانان زائران مسیحی قبر مسیح در فلسطین را آزار می‌دهند، نخستین جنگ صلیبی در سال ۱۰۹۶ با سطره مسیحیان بریت المقدس آغاز شد و طی دو قرن و نه بار جنگ سرانجام در سال ۱۲۹۱ م. با اخراج صلیبیان از عکا به پایان رسید.^(۲۵) سپاهیان جنگ‌های صلیبی بیشتر از اقوام و ساکنان اروپای مرکزی و غربی بودند که تا پیش از جنگ‌های صلیبی با اسلام آشنایی نداشتند. بیگانگی آنها با اسلام تا بدان حد بود که براساس مطالعات انجام شده تا پیش از آغاز جنگ‌های صلیبی تنها یک بار نام پیامبر(ص) در ادبیات اقوام اروپایی (طبعاً غیر از ایتالیایی و اسپانیایی) آمده بود.^(۲۶) البته در دو قرن دوازدهم و سیزدهم که مقارن جنگ‌های صلیبی بود تلاشی وسیع برای شناخت تمدن اسلامی و غالباً از طریق ترجمه آثار اسلامی به زبان لاتینی به عمل آمد که در بخش کتاب‌های مربوط به موضوعات علمی می‌توانست به تصحیح دیدگاه مسیحیان نسبت به مسلمانان مؤثر باشد ولی تنها بخشی اندک از این اقدام علمی تحت تأثیر جنگ‌های صلیبی بود و بخش عمده آن بدون ارتباط با جنگ‌های صلیبی و تنها همزمان با آن صورت پذیرفت.

مهم‌ترین تلاش انجام شده در این دوره برای شناخت دین اسلام ترجمه قرآن است. روبرت کابشانی (صاحب آوازه در سال‌های ۱۱۴۱ تا ۱۱۴۸ م)^(۲۷) و احتمالاً هرمان دلماطی^(۲۸) (۱۰۹۴-۱۰۹۶ م.) به انجام رساندند که آکنده از نیش و کنایه و الفاظ مستهجن و تحریفات نسبت به پیامبر(ص) و قرآن و اسلام بود و پطرس محترم نیز خود ضمانتی به آن افزود. این ترجمه نادرست و تحریف شده از قرآن مبنای سرمشق چند ترجمه دیگر از قرآن در قرون بعدی شد و اصولاً تأثیری تعیین‌کننده در ذهنیت نادرست اروپایی‌ها نسبت به اسلام داشت. دیگر اثر اسلامی شناسی قرن دوازدهم مجموعه تولدو^(۲۹) است که آن هم به

کوشش و تحت نظر پطرس محترم فراهم آمد. این مجموعه شامل چندین اثر و ترجمه است که به خوبی نشان دهنده طرز تفکر نادرست کلیسا در آن دوران درباره اسلام می باشد.^(۳۰)

دوره تغییر رویکرد نظامی به رویکرد علمی و فرهنگی

وقتی عدم کارآیی جنگ‌های صلیبی برای سرنگونی مسلمانان روشن شد مسیحیان رفته رفته به این فکر افتادند تا روش‌های دیگری برای مقابله با مسلمانان پیش بگیرند^(۳۱) البته گفته می‌شود پنجاه سال پس از شروع جنگ‌های صلیبی وقتی نخستین ترجمه قرآن کریم به انجام رسید پطرس محترم (۱۱۵۶ م.) گفته بود «اینک می‌توان دشمن را شناخت» یا «نقطه آغاز جنگ علیه اسلام همانا قرآن است»^(۳۲) در این سخن تلویحاً اعتراف شده است که تنها از برخورد نظامی با مسلمانان طرفی نمی‌توان بست و باید در کنار آن به برخورد علمی و فرهنگی روی آورد. وی می‌کوشید دیگر رهبران دینی مسیحی را هم به یک جنگ نظامی و فکری همزمان علیه مسلمانان ترغیب نماید. وی هدف اصلی جنگ‌های صلیبی را مسیحی کردن مسلمانان می‌دانست و معتقد بود شمشیر و سلاح حقیقی کلیسا شمشیر تبلیغات مذهبی به وسیله انجیل و عقاید مسیحی است.^(۳۳) ولی این اظهار نظر تأثیری بر روند جنگ‌های صلیبی نداشت گرچه یک و نیم قرن بعد گردانندگان جنگ به همین نتیجه رسیدند. سی سال پیش از پایان جنگ‌ها، راجر بیکن^(۳۴) در سال ۱۲۶۸ م. طی نامه‌ای به پاپ اعظم اعلام کرده بود که جنگ‌های صلیبی به روش نظامی سودی در بر ندارد و باید جنگ‌های صلیبی مسالمت آمیزی را آغاز کرد.^(۳۵) چند سال پس از پایان جنگ‌های صلیبی نیز ریموند اول (۱۳۱۴ م.) همین پیشنهاد تراک بُرد نظامی و شروع حمله فکری و فرهنگی را به پاپ عرضه کرد.^(۳۶) طبعاً مسیحیان برای جنگ نوین غیر نظامی خود بیش از هر چیز نیازمند شناختن دشمن خود بودند و بدین ترتیب پایان جنگ‌های صلیبی آغاز مرحله‌ای نو در مطالعات اسلامی بود.

این تغییر رویکرد کلیسا همراه با حرکت علمی اندلس و اسپانیا نخستین زمینه‌های آشنایی بیشتر مسیحیان با اسلام را پدید آورد.

روحیه عناد و لجاج علیه مسلمانان بدون درگیری نظامی حتی در افکار اصلاح طلبانی چون مارتین لوتر (۱۴۸۲-۱۵۴۶م.) به چشم می‌خورد. وی از پیشتازان پروتستان اصلاح طلبی در آیین مسیحیت و مخالف بسیاری از افکار و رفتار کلیسای آن دوران بود ولی با این وجود وی نیز مانند دیگران رهبران مسیحی موضعی ناهمساز گرایانه با اسلام و مسلمانان داشت. وی ترجمه قرآن روبرت کایتانی و هرمان دلماطی را که در سال ۱۱۴۳ م. زیر نظر پطرس محترم انجام شده ولی منتشر نشده بود به همراه رديه‌ای بر قرآن به قلم مونه کروچه و نیز مقدمه‌ای به قلم خودش در سال ۱۵۴۳ م. به چاپ رساند و در مقدمه چنین نوشت:

«مکان ندارد مسأله اختلاف مسلمانان و عیسوی را از راه سیاست و فرهنگ حل کرد و نیز نمی‌توان مسلمان را مسیحی کرد (اشاره به دیدگاه ریموند لول و پاپ پیوس دوم) زیرا قلب او سخت شده و از تورات و انجیل متفر است و دلیل و برهان نمی‌پذیرد و فقط به آن چه قرآن می‌گوید ایمان دارد، ولی تا زمانی که عیسویان در گناه خود باقی باشند، جنگ آنان با مسلمانان بی‌فایده خواهد بود و خدا ایشان را پیروز نخواهد کرد.»^(۳۷)

عاملی دیگر در این دوره نیز بر کینه توزی ارباب کلیسا نسبت به مسلمانان افزود و آن برچیده نشدن حکومت مسلمانان به دست مغولان بود، زیرا مسیحیان بر پایه یک خرافه مذهبی اعتقاد و امید داشتند حکومت مسلمانان به دست مغولان از میان برود^(۳۸) و شاید به این دلیل نیز سفیرانی را به دربار مغولان اعزام کردند^(۳۹) ولی در عمل این آرزو محقق نشد.

دوره انزوای تدریجی کلیسا و ورود رقیب تازه برای مطالعه پیرامون اسلام از قرن شانزدهم بدین سو، ما رفته رفته شاهد رویکرد جدیدی هستیم. این دوره همزمان با عصر رنسانس در اروپاست که علم و ادب و هنر در مغرب زمین جان گرفت^(۴۰) و با وجود تداوم روحیه دشمنانه غرب مسیحی نسبت به مسلمانان، نخستین نوشته‌های ملازم نسبت به اسلام و پیامبر(ص) و لو بسیار ضعیف و غیر محققانه در قرن شانزدهم پدید آمد و شاید گیوم پوستل (۱۵۸۱م.) نخستین کسی بود که افسانه شرم آور پیشینیان درباره زندگی پیامبر(ص) را رد کرد^(۴۱)

هم چنین در اولین ترجمه قرآنی که به قلم الکساندر راس در سال ۱۶۴۹ م. در لندن چاپ شد وی در مقدمه آن نوشت:

«فکر کردم خوب است که این کتاب را همان گونه که واقع هست بنمایانم تا بتوانید دشمنان را کاملاً بشناسید زیرا باید هرچه بهتر برای مقابله با... قرآن آماده شوید»^(۴۲)

انتشار مجموعه کتابخانه شرقی^(۴۳) به همت بارتولی د. هربلوت^(۴۴) (۱۶۲۵-۱۶۹۵) گام مثبت دیگری برای تقویت روحیه تتبع و تحقیق در مطالعات شرقی و اسلامی بود. در این مجموعه آثاری برگزیده عربی، فارسی و ترکی به ترتیب الفبایی شناسانده شده بود.^(۴۵) از قرن هجدهم گام دیگری در مسیر تعدیل روح عناد نسبت به مسلمانان برداشته شد و برای اولین بار متونی در بیان و معرفی صادقانه اسلام و حیات پیامبر(ص) پدید آمد.^(۴۶) دو عامل در این رویکرد تازه مؤثر بود: کاسته شدن خطر عثمانی‌ها و گسترش خردگرایی در این قرن به گونه‌ای که قرن هجدهم قرن روشنگری اروپا خوانده شده است. البته تأثیر رفت و آمد مستمر غربی‌ها به شرق را نیز که از قرن هفدهم آغاز شده بود نباید از نظر دور داشت. آدریان ریلاند^(۴۷) (۱۶۷۶-۱۷۱۸) استاد هلندی زبان‌های شرقی در دانشگاه یوتریخت^(۴۸) کتابی در دو جلد در معرفی اسلام نوشت که در جلد اول آن با نام دین محمد، کوشید دین اسلام را آن گونه که خود مسلمانان وصف می‌کنند معرفی نماید. و عنوان جلد دوم آن با نام «تصحیح اندیشه نادرست غربی‌ها درباره اسلام» گویای محتوای آن است. این کتاب که در اصل به زبان لاتینی نوشته شده بود به زبان‌های فرانسوی و آلمانی هم ترجمه شد و می‌توان آن را «نخستین بررسی خردگرایانه از اسلام به عنوان یک دین»^(۴۹) نامید. سینون اوکلی^(۵۰) (۱۶۷۸-۱۷۲۰) در کتاب تاریخ صحرائشینان با بیطرفی و با تکیه بر منابع اولیه مسلمانان کوشید تصویری درست از تاریخ اسلام عرضه نماید.^(۵۱) در سال ۱۷۲۰ م. رساله‌ای به قلم نویسنده‌ای نامعلوم با نام «محمد شاید نیست» یا «در دفاع از محمد» منتشر شد. هم چنین مستشرق فرانسوی هنری دو بولیان وی پرز^(۵۲) (۱۶۵۸-۱۷۲۲) کتابی با نام «زندگانی محمد» نوشت که پس از مرگش در سال ۱۷۳۰ م. به چاپ رسید و در آن باشگفتی و احترام از اصول دین اسلام یاد کرده و آن را یک دین معقول خواند و پاره‌ای مطاعن و افتراهای مسیحیان قرون وسطی علیه پیامبر(ص) را پاسخ گفت و

پیامبر (ص) را به عنوان یک قهرمان معرفی کرد. ^(۵۴) ترجمه قرآن جرج سیل ^(۵۴) (۱۶۸۰-۱۷۳۶ م.) که در سال ۱۷۳۴ م. به چاپ رسید نمونه‌ای دیگر از آثار منصفانه درباره اسلام در عصر روشنگری به حساب می‌آید. ^(۵۵) شاید جنجال برانگیزترین نویسنده قرن هجدهم که آثار او درباره اسلام مورد توجه قرار گرفته است فرانسو ماری ولتر (۱۶۹۴-۱۷۷۸ م.) ^(۵۶) باشد. آثار ولتر و سیر تحول نگرش او درباره اسلام و حرکت از نقطه حمله به اسلام و رسیدن تدریجی به نقطه مدح و ستایش اسلام می‌تواند نشانه خوبی برای این تحول در مطالعات اسلامی در اروپای قرن هجدهم به شمار آید. ^(۵۷)

دوره گسترش نگاه واقع‌بینانه نسبت به اسلام

فاصله گرفتن تدریجی مطالعه پیرامون اسلام از کلیسا و راه یافتن آن به دانشگاه‌ها و تغییر انگیزه از انگیزه دینی به سیاسی و استعماری، کلیسا را در موضعی جدید نسبت به اسلام قرار داد. با وجود ورود اندک‌اندک‌های استعماری به مطالعات اسلامی، نگاه واقع‌بینانه گسترش یافت زیرا استعمار نیز برای گسترش سیطره خود بر شرق نیازمند شناخت درست اسلام و مسلمانان بود. فورستر را نخستین متکلم مسیحی دانسته‌اند که با چاپ کتاب کشف حجاب از دیانت محمدی ^(۵۸) در سال ۱۸۲۹ م. نگاه علمی و محققانه به اسلام را گسترش داد. ^(۵۹) واشنگتن ایروینگ (۱۷۸۳-۱۸۵۹) آمریکایی نیز در همان سال ۱۸۲۹ م. کتابی با نام عذر تقصیر به درگاه محمد ^(۶۰) گوی سبقت را از دیگر مسیحیانی که به صداقت پیامبر (ص) اعتراف کردند ربود. ^(۶۱) چاپ متن غربی قرآن در سال ۱۸۳۴ م. همراه با کشف الآیات در سن ۱۸۰۴ م. از سوی گوستاو فلوگل ^(۶۲) (۱۸۰۲-۱۸۷۹ م.) اقدام مهم و برجسته‌ای بود. ^(۶۳) و اصولاً در قرن نوزدهم معمولاً تمامی ترجمه‌های قرآن مستقیماً از زبان عربی صورت می‌گرفت. ^(۶۴) آوازه کار لایل ^(۶۵) (۱۸۰۴ م.) به عنوان پیشتاز کنار زدن سنت چند ساله بدگویی از اسلام و مسلمانان بیش از پیشینیان خود است. او فصلی از کتاب «از قهرمانان» (۱۸۴۱ م.) خود را به زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اختصاص داد و در آن صمیمیت و صدق عقیده را امتیاز اصلی قرآن شمرد. این اقدام او تأثیر بسزائی در تغییر عقیده اسلام‌شناسان اروپائی درباره اسلام و پیامبر (ص) داشت. ^(۶۶) در همین سال‌ها کتاب‌های گوستاو ویل (۱۸۰۷-۱۸۸۹ م.) مانند زندگی و تعالیم محمد پیامبر (ص) و

در آمدی تاریخی انتقادی بر قرآن که در سال ۱۸۳۴م. در آلمان به چاپ رسید، عصر نوین مطالعات اسلامی را تثبیت کرد. ^(۶۷) البته پیش از این دائرة المعارف یک کوشش انگلیسی به نام توماس پاتریک هیوز ^(۶۸) مجموعه‌های را با نام فرهنگ نامه اسلام: دانشنامه آراء، آداب و مراسم دین اسلام ^(۶۹) در سال ۱۸۸۵ م. لندن منتشر ساخت. ^(۷۰)

این نکته جالب است که در این دوره برخی از مستشرقان جذب تعالیم اسلامی شدند و رسماً به این دین گرویدند و یا به برخی آیین‌ها و آداب مسلمانان عمل می‌کردند مثلاً هرمر پور گشتال زوزف وان (۱۷۷۴-۱۸۵۶ م.) اسلام شناس اتریشی آن چنان به مسلمانان علاقمند بود که پیش از مرگ قبر خویش را به شیوه مسلمانان آماده ساخت. ^(۷۱) هم چنین مستشرق اتریشی دیگری به نام لنوبولد ویس ^(۷۲) مسلمان شد و نام خود را به محمد اسد تغییر داد و به همراه ویلیام بکتول که او نیز مسلمان شده بود مجله التفافه الاسلامیه را در حیدرآباد دکن در سال ۱۹۲۷ م. تأسیس کرد و مقالات زیادی درباره تصحیح اشتباه‌های مستشرقان درباره اسلام در آن نوشت. ^(۷۳) عبدالکریم گرمانوس ^(۷۴) (۱۸۸۴-۱۹۷۹ م) مجارستانی نیز که به دعوت تاگور به عنوان استاد تاریخ اسلام در طول سال‌های ۱۹۲۹ م. تا ۱۹۳۲ م. در هند بسر می‌برد در مسجد جامع دهلی اسلام خود را آشکار کرد و در همان مسجد جمعه‌ها خطبه جمع می‌خواند و بعدها به مصر و عربستان هم سفر کرد.

در این وضعیت جدید کلیسای کاتولیک از طریق هیات‌های تبشیری در محدوده‌ای تنگ تر از قبل از یک سو کار گزار غیر رسمی دولت‌ها شده بود و از سویی نقش تاریخی خود را به این ترتیب تداوم بخشید. ^(۷۵) *جامع علوم انسانی*

دوره همدلی و آغاز همزیستی

بعد از جنگ دوم جهانی حوزه‌های مطالعاتی اسلامی بسیار متنوع شد و عملاً از یکدیگر استقلال و تمایز یافت. ^(۷۶) و ابزارها و روش‌های جدیدی برای شناخت اسلام به کار بسته شد، مانند کنگره‌های شرق شناسی، مجلات، موزه‌ها و بنیادها و مؤسسات اسلام شناسی و شرق شناسی. تبدیل اسلام شناسی به یکی از زیر مجموعه‌های شرق شناسی و تبدیل نام آن به مطالعات شرقی در قرن بیستم واقع شد. دست یابی مردم

اروپا به اطلاعاتی درست تر درباره اسلام، حضور مسلمانان در اروپا، بی نتیجه یا کم نتیجه ماندن فعالیت‌های تیشیری و غلبه یافتن واقع نگری در کلیسا مرحله جدید و خشنود کننده‌ای را نسبت به دین اسلام و مسلمانان آغاز کرد که اوج آن را می‌توان در بیانیه شررای دوم کلیسای واتیکان مشاهده کرد. شورای واتیکانی دوم که از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۵ به درازا انجامید، شانزده سند منتشر کرد که هدف آن نوسازی همه مظاهر ایمان و رفتارهای دینی بود. عنوان یکی از سندهایی که شورا منتشر کرد چنین است: "اظهار نظر پیرامون رابطه کلیسا با ادیان غیر مسیحی". بخش مخصوص به اسلام در سند یاد شده نخستین منبع کلیسایی است که در آن موضوع مسلمانان به طور رسمی بررسی شده است. اظهار نظر شورا پیرامون اسلام چنین خاتمه می‌یابد:

"از آنجا که در طول قرن‌های گذشته درگیری‌ها و دشمنی‌های زیادی بین مسیحیان و مسلمانان پدید آمده است شورا مؤکداً از ممکن می‌خواهد که گذشته را به فراموشی بسازند و صمیمانه به تفاهم گرایش پیدا کنند و با یکدیگر برای حفظ و تقویت صلح، آزادی، عدالت اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی به سود همه افراد بشر بکوشند."

در سال ۱۹۶۵ م. پاپ پل ششم در واتیکان دبیرخانه گفتگوی ادیان را تأسیس کرد و پس از آن کمیته‌ای را برای گفتگو با مسلمانان به آن افزود که از اهداف آن، تقویت احترام متقابل و ایجاد تفاهم میان مسیحیان و مسلمانان از طریق سخنرانی‌های علمی، مطالعات و طرح‌های مشترک در زمینه امور اجتماعی و جریانات مربوط به توسعه و اخلاق است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

افق آینده، دوره همگرایی پرتال جامع علوم انسانی

با توجه به تحلیل روند گذشته، این انتظار دور از واقع نیست که آینده روابط اسلام و مسیحیت را دوره همگرایی پیرامون این دو دین آسمانی بدانیم.

با توجه به این تغییر رویکرد در کلیسای واتیکان که بیشترین روابط خصمانه با مسلمانان را داشته امید همگرایی در دیگر کلیساها به ویژه کلیساهای پروتستان بیشتر است.

در دهه‌های اخیر با پیدا شدن اندیشه‌ی مسیحیت رهایی بخش در امریکای لاتین و اعتراض پاپ به عنوان نماینده کلیسای کاتولیک به ستم‌هایی که در سطح جهان از سوی

دولت‌های استکباری علیه بشریت صورت می‌گیرد و گسسته شدن هر چه بیشتر رابطه آن با دولت‌ها و گرایش به مردم، زمینه همگرایی بین مسیحیت و اسلام به ویژه قرائت شیعی آن بیشتر شده است و به نظر می‌رسد افق آینده به راستی افقی همگرایی است.

این نتیجه را افزون بر تحلیل تاریخی و تحلیل روند گذشته از آموزه‌های قرآنی نیز می‌توان گرفت.

وقتی قرآن پیروان ادیان را چنین فرا می‌خواند:

فَلْيَنْتَهِلْ أَلِكُتُبِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَرُ إِلَّا نَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (آل عمران/۶۴)

یعنی بر اساس آموزه قرآنی، عبودیت خدای واحد و شرک نورزیدن به او (در مقام اندیشه) و تلاش برای برابری اجتماعی (در مقام عمل) می‌تواند اسلام و ادیان آسمانی را به یکدیگر پیوند زند. ولی به نظر می‌رسد قرآن در میان پیروان ادیان آسمانی عنایت خاصی به مسیحیان دارد. شاید مضمون این آیه شریفه که مسیحیان را - به سه دلیل کثرت عالمان دینی و کثرت پارسایان و زاهدان و عدم تکبر - نزدیک تر از پیروان دیگر ادیان به مؤمنان شمرده است شاهد خوبی بر این ادعاست:

"...وَلْتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَرِيُّكَ ذَلِكُمْ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِيْسِيَّةً وَزُهَبَانًا وَأَنْهَزَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَامَنَّا فَكُتِّبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ (مانند، ۸۲/۱ و ۸۳)

گرچه برخی مفسران این آیات را منحصر به مسیحیان مسلمان شده در آن دوران (شاید مسیحیانی که از حبشه آمده بودند) دانسته‌اند ولی گروهی دیگر نیز آن را ویژگی عمومی همه مسیحیان در همه زمان‌ها می‌دانند.^(۷۷)

هم چنین اعتقاد مسلمانان به بازگشت عیسی مسیح علی نبینا و علیه الصلاة و السلام و قرار گرفتن او در کنار مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌تواند نمادی از همین اعتقاد باشد که سرانجام این دو دین به یک پیوند خواهند رسید.

نتیجه:

مسلمانان و مسیحیان مغرب‌زمین اکنون موقعیتی نو از روابط کهن خود را تجربه می‌کنند. در جانب غربی این روابط، پس از قرن‌ها ناهمدلی اندک اندک نگاهی همسازگرایانه سایه می‌افکند. از سوی دیگر بهم آمیختگی شعارها و اقدامات نقش آفرینان صحنه‌ی نوین روابط بین‌الملل با پاره‌ای آموزه‌های دینی مسیحی می‌تواند به نوعی یکپارچه‌انگاری غرب در وجه سیاسی و دینی بیانجامد. ولی به نظر می‌رسد تمایز بین مسیحیت غربی و سیاست غربی از بایسته‌هایی است که سزااست از سوی دولت‌مردان و اندیشمندان مسلمانی که اندیشه‌هایی جهانی در سر می‌پرورانند مورد توجه قرار گیرد. غفلت از این امر می‌تواند فرصت‌ها و ظرفیت‌هایی درخور را به ویژه در حوزه‌ی روابط بین فرهنگی از بین ببرد.

آموزه‌های اسلامی و واکاوی تجربه‌ی تاریخی نشان می‌دهد که مسیحیت دین محور غربی دیگر تهدیدی برای مسلمانان به شمار نمی‌آید بلکه می‌توان روابط با آنان را یکی از ظایف‌های موجود برای گستراندن روح معنویت‌گرایی در پرتو تعالیم پیامبران آسمانی در جهان امروز دانست. این یافته از منظری دیگر ضرورت بازخوانی پویای تاریخ گذشته را به عنوان منبعی برای پاسخ به پرسش چگونه زیستن در زمان حاضر باز می‌نمایاند.

شوربشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پس نوشت‌ها:

۱ - قُلْ يٰۤاَهْلَ الْكِتٰبِ تَعٰلَوْا اِلٰى كَلِمَةٍ سَوّٰهٍ بَيْنِنَا وَبَيْنِكُمْ اَلَّا نَعْبُدَ اِلَّا اللّٰهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْۤآءًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا اَرْبَابًا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقَوْلُوْا اَشْهَدُوْا بِاَنَّا مُسْلِمُوْنَ (آل عمران/۶۲): وَلَا تُجْتَدِلُوْا اَهْلَ الْكِتٰبِ اِلَّا بِالَّتِيْ هِيَ اَحْسَنُ اِلَّا الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا مِنْهُمْ وَقَوْلُوْا ءَاْمَنَّا بِالَّذِيْ اُنزِلَ اِلَيْنَا وَاُنزِلَ اِلَيْكُمْ وَاللّٰهُنَا وَالنّٰهُكُمْ وَحَدٌّ وَاَحْسَنُ لَهُ مُسْلِمُوْنَ (عنكبوت/۲۶).

۲ - وَلَا تُجْتَدِلُوْا اَهْلَ الْكِتٰبِ اِلَّا بِالَّتِيْ هِيَ اَحْسَنُ اِلَّا الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا مِنْهُمْ..... (عنكبوت/۲۶).

۳ - به عنوان نمونه، مانده، ۴۳؛ مانده ۴۶ و ۴۷؛ مانده، ۶۸.

۴ - ابن هشام، ابومحمد عبدالملک (بدون تاریخ)، السیرة النبویة، حققها و لبتها و شرحها و وضع فهرسها: مصطفی السفا- ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱، ص ۳۴۴.

۵ - همو، ج ۱، ص ۳۵۹، سؤال نجاشی چنین بود: ما هذا الذین الذي قد فارتم فيه قومکم ولم تدخلوا فی دینی دین احمد من هذه الملل؟

۶ - همان، صص ۳۵۹-۳۶۲.

۷ - همان، ج ۲، صص ۳۹۱-۳۹۲.

۸ - ر.ک: الاحمدی، علی بن حسینعلی، (۱۳۶۳ش)، مکاتیب الرسول، بدون مکان نشر [قم]، یس، صص ۱۰۵- ۱۷۷؛ حیدالله، محمد (۱۳۶۵ش)، وثائق و نامه‌های حضرت ختمی مرتبت بر خلفای راشدین، ترجمه و تحشیه از: محمود مهدوی دامغانی، تهران، چاپ و نشر وابسته به بنیاد مستضعفان، ج ۱، صص ۸۴- ۸۶؛ همو، نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد (ص) و اسناد صدر اسلام، صص ۱۵۴- ۱۵۷؛ سرحشامی - نصاری، بهاء‌الدین - سعید (۱۳۷۶ش)، پیام پیامبر، تهران، حسابی، ج ۱، صص ۴۲- ۴۵.

۹ - حسن، حسن ابراهیم (۱۹۶۵م)، تاریخ الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱، صص ۱۶۳- ۱۶۵.

۱۰ - کان ابو حارثه قد شرف فیهم [نصاری نجران] و درس کنتم حتی حسن عمله فی دینهم، فكانت ملوک الروم من النصرانیة قد شرفوه مولوه و اخذوه و بنوا له الکنانس و بسطوا علیه الکرامات لما یلتهم عنه من علمه و اجتهاده فی دینهم (ابن هشام، ج ۲، ص ۲۲۲) ابن هشام این ماجرا را در زمره حوادث سال‌های نخست هجرت ذکر کرده است.

۱۱ - ابن هشام، ج ۳، ص ۲۲۵.

۱۲ - مانده قتل برخی مسیحیان که مسلمان شده بودند (ابن هشام، ج ۴، ص ۲۳۸).

۱۳ - john of Damascus, saint

۱۴ - بعلبکی، منیر (۱۹۹۱)، موسوعة المورد: دائرة المعارف انکلیسیة - عربیة مصورة؛ بیروت، دارالعلم للملایین، ج ۵، ص ۱۷ و نیز برای اطلاع از احوال و آثار و افکار یوحنا دمشقی، ر.ک:

Sahas, D. john of Damascus on Islam.

۱۵ - معایرجی، حسن (خرداد - شهریور ۱۳۷۱)، نخستین ترجمه‌های لاتینی قرآن کریم و تأثیر آن بر ترجمه‌های قرآنی به زبان‌های اروپایی و در آینه پژوهش، قسمت اول: سال سوم، شماره اول - دوم، ص ۷۰؛ شریف، میان محمد (۱۳۶۷ش)، تاریخ فلسفه در اسلام، ترجمه: گروه مترجمان به سرپرستی نصرالله پورجوادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ص ۱۹۸.

۱۶ - Theodorus

۱۷ - برای اطلاع از احوال، آثار و افکار او ر.ک. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، زیر نظر: سید کاظم موسوی بجنودی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل مدخل ابوقرّة، ولفسن، هری اوسترین (۱۳۶۸ش)، فلسفه

علم کلام، ترجمه: احمد آرام، تهران، الهدی، ص ۵۶؛ و آرنولد، توماس (۱۲۵۸)، تاریخ گسترش اسلام، ترجمه: ابوالفضل عزتی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، صص ۶۲-۶۳.

۳۸ - معاریجی (مهر و آبان ۱۳۷۱)، صص ۷۳-۷۶ قسمت دوم: سال سوم، شماره سوم، صص ۷۰-۷۱؛ شریف، صص ۴۹۸-۴۹۹؛ گرونیام، فن گوستاو (۱۳۷۳ش)، اسلام در قرون وسطی، ترجمه: غلامرضا سیمینی، تهران، البرز، صص ۴۳؛ مینوی، مجتبی (۱۳۴۸ش)، اسلام از دریچه چشم مسیحیان، محمد (ص) خاتم پیامبران، تهران، حسینیه ارشاد، ج ۲، ص ۱۸۳.

۳۹ - شرفاوی، محمد عبدالله (بدون تاریخ)، الاستشراق: دراسات تحليلية تمهيدية، القاهرة، مطبعة مدينة، صص ۲۶ به نقل از: نین هیکل. به عنوان نمونه، ابن هشام، ج ۴، صص ۱۵-۳۰. در سربه مونه سه تن از نامدارترین فرماندهان مسلمانان به شهادت رسیدند. در سال نهم هجری نیز مسلمانان به فرماندهی پیامبر اکرم (ص) به سوی مرزهای روم (منطقه تیوک)، رفتند ولی عملاً میان آنها و رومی‌ها تیردی صورت نپذیرفت (ابن هشام، ج ۴، صص ۱۵۹-۱۷۰).

۴۰ - گرونیام، صص ۳۵، اسعدی، مرتضی (۱۳۷۲)، مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان: از آغاز تا شورای دوم واتیکان (رساله دکتری) تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، صص ۳-۶.

۴۱ - درباره مولدان، ر.ک. مقاله Muwallad در El2, v7 p.p 807-808؛ و نیز: مونس، حسین (۱۳۷۳)، سبیده دم اندلس، ترجمه: حمید رضا شیخی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، صص ۴۰۳-۴۱۸.

۴۲ - مونس، سبیده دم اندلس، صص ۴۰۸-۴۹۸؛ گرونیام، ص ۵۱.

۴۳ - این مجمع در اصل به دعوت امپراطور وقت بیزانس و به منظور وحدت مسیحیان در مقابله با خطر و تهدید احتمالی مسلمانان تشکیل شد.

۲۴ - Urbanus II.

۴۵ - برای گزارش‌ها و تحلیل‌هایی درباره این جنگ‌ها و علل و آثار آن ر.ک: ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۷۳)، علل و آثار جنگ‌های صلیبی، به ضمیمه ترجمه اعلام و التئین فی خروج الفرنج الملاحین علی دیار المسلمین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛ El pp. 662-63, VII مقاله crusade: بعلکی، ج ۳، صص ۱۲۴؛ المقفاد، محمود (۱۹۹۲م)، تاریخ الدراسات العربیة لی فرنسا، الکویت، المجلس الوطني للثقافة والفنون والآداب؛ عالم المعرفة، صص ۲۰-۲۳؛ آل احمد، جلال (۱۳۵۶ش)، غرب زدگی، تهران، رواق، ص ۵۹.

۴۶ - مینوی، صص ۱۸۲.

۴۷ - ظاهرأ او همان روبرت اهل چستر Robert of chester است ر.ک. عقیقی، نجیب (۱۹۶۵)؛ المستشرقون، القاهرة، دار المعارف، ج ۱، صص ۱۱۳-۱۱۴.

۴۸ - تنها عقیقی (از صص ۱۱۳-۱۱۴) به همکاری او با روبرت برای ترجمه قرآن اشاره کرده است.

۲۹ - Toledan collectio

۳۰ - Doctrina Manumet

۴۹ - بیطار، د. زینت (۱۴۱۲/ق ۱۹۹۲م)، الاستشراق فی الفن الرومانسی العربی، الکویت، عالم المعرفة / من سلسله کتب ثقافیه شهریه بصدرها: المجلس الوطني للثقافة والفنون والآداب (۱۵۷)، صص ۳۲؛ اسعدی، صص ۴۴؛ الزیادی، محمد فتح الله (۱۴۱۱/ق ۱۹۹۰م)، انتشار اسلام و موقف المشرقین منه، دمشق - بیروت، دارقسیه، صص ۴۷؛ طبایوی، ای.، مقتدی بر دیدگاه‌های خاورشناسان نسبت به اسلام و قومیت عرب، ترجمه: عبدالله ظهیری، مجدی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، سال ۱۵، ش ۳، صص ۳۴۱-۳۷۱ و ش ۴، صص ۳۴۲-۳۴۳.

۵۰ - زهرالدین، صلاح (۱۴۱۳/ق ۱۹۹۱م)، الاسلام و الاستشراق، بیروت، دارالتدوین الجدیدة، صص ۲۱؛ اسعدی، صص ۱۹۲ برای اطلاع از سرنوشت این ترجمه قرآن ر.ک: بیرسن، ج. د (۱۳۶۶-۱۳۶۵)، ترجمه‌های موجود قرآن کریم به زبان‌های گوناگون، ترجمه: هوشنگ اعلم، تحقیقات اسلامی، سال اول، ش ۲ سال دوم، ش ۱، ص ۶.

۳۳ - معاریجی، بخش اول، صص ۶۸-۶۹.

34 - Roger Bacon

۳۵ - مینوی، ص ۶۴.

۳۶ - حنی، فلیپ (۱۳۸۰ش)، تاریخ عرب، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران، آگام، ص ۸۳۹.

۳۷ - مینوی، صص ۲۱۷-۲۲۰؛ اسعدی، صص ۱۳۵-۱۳۹.

۳۸ - مینوی، ص ۷۵؛ ستاری، جلال (۱۳۷۰ش)، جان‌های آتش، تهران، توس، ص ۵۸۹.

۳۹ - ناصری طاهری، صص ۹۱-۹۳.

۴۰ - به عنوان نمونه مقداد، صص ۲۸-۲۹؛ و درباره تأثیر این احساس خطر بر رواج آموزش زبان ترکی در فرانسه ر.ک. همو، ص ۹۵.

۴۱ - نقی زاده، سید حسن (۱۳۳۵ش)، *متحقیقات علمای مغرب در باب سمالک شرقی*، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات (دانشگاه تهران)، سال سوم، شماره ۴، صص ۵-۶.

۴۲ - همان، ص ۱۶۸ (بالندگی تصرف)

43 - Biblithe que orietal

44 - Bartholome d, Herbelot

45 - E12, V7, p.741

۴۳ - مینوی، پیشین، ص ۲۲۵.

47 - Adriaan reland

48 - Utrecht

49 - May be called the first enlightendc study of Islam as a religion: E12, V7, p.741;

عقیقی، ج ۲، صص ۳۰۴ و ۳۰۵.

50 - Simon okley

51 - E12, V7, p.741

- بدوی، ... عبدالرحمن (۱۹۹۳م)، *موسوعة المستشرقین*، بیروت، دارالعلم للملایین، صص ۵۷-۵۸.

52 - Henri de Boulainvilliers

۳۴ - مینوی، صص ۲۲۶-۲۲۷؛ بدوی، صص ۱۴۲-۱۴۴.

- E12, V7., p741

54 - George sale

۳۵ - مینوی، پیشین، ص ۲۲۵.

56 - Francois Mavie Voltaire

۳۷ - ر.ک: حدیدی، جواد (۱۳۵۵ش)، *اسلام از نظر ولتر*، تهران، توس، با تجدیدنظر کلی؛ همو (۱۳۵۷ش)، *صدائات ولتر در ستایش اسلام*. مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال چهاردهم، ش ۲، صص ۲۸۶-۳۰۵؛ و برای بحثی درباره ولتر، ر.ک: شیبانی، ژان (۱۳۵۴ش)، *سفر اروپائیان به ایران*، ترجمه: سید ضیاءالدین دهشیری، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب، صص ۳۳۴-۳۷۰.

۳۸ - اسعدی، پیشین، ص ۲۱۸.

59 - Mohammedanism unveiled

⁶⁰ - Apology for Mohammad

⁶¹ - اسعدی، پیشین، ص ۲۱۷.

⁶² - Gustav Fiugel

⁶³ - E12, v7, p. 741

⁶⁴ - بیرسن، صص ۹۸.

⁶⁵ - Carlyle

⁶⁶ - مینوی، صص ۲۵۱-۲۵۲.

⁶⁷ - پارت، ص ۲۱.

⁶⁸ - T.P.Hughes

⁶⁹ - *dictionary of Islam: An Cycloredia the Doctorines rites Ceremonies , ETC of the Doctorines rites Ceremonies, ETC of the Islamic Religion*

⁷⁰ - اسعدی، ص ۲۳۶.

⁷¹ - عقیقی، ج ۲، ص ۲۷۵.

⁷² - Leopolk weiss

⁷³ - عقیقی، ج ۲، ص ۲۹۱.

⁷⁴ - J.Germonus

⁷⁵ - برای بحث هایی در این زمینه، رک: حورانی، آلبرت (۱۹۹۴)، *الاسلام فی الفكر الاوروبی، بیروت، الاهلیه - مؤسسه نوفل*، ص ۵۱؛ طیبای، صص ۳۴۶-۳۴۷؛ خربوطلی، علی حسنی (۱۹۸۸)، *المستشرقون والتاریخ الإسلامی، القاهرة، المینة المصریة العامة للکتاب*، ص ۴۳. و برای بحثی دوباره چارچوب نقش استعماری فرهنگی حیات های آموزشی و تشریری در داخل کشورهای اسلامی به خصوص از نیمه قرن نوزدهم به بعد رک: عترسی، طلال (۱۴۰۷) *ق/ ۱۹۸۷م*، «البعثات البوسنیة: مهمة اعداد النخبة السیاسیة فی کسان» *دراسة وثائقية*، بدون مکان، الوكالة العالمية للتوزیع.

⁷⁶ - E12 V7, p 622.

⁷⁷ - طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۶۴)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، مرکز انتشارات اسلامی ذیل آیه.